

توسن

باورها و ضرب المثل های مردم سدن رستاق

کرتگوی

تحقیق، شرح و تدوین:

جعفر قلی کیانی

سرشناسه	: کیانی، جعفرقلی، ۱۳۲۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: توسن: (باورها و ضرب‌المثل‌های مردم سدن رستاق کردکوی) / تحقیق، شرح و تعلیق جعفرقلی کیانی.
مشخصات نشر	: گران: انتشارات نوروزی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۹-۴۲۹-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: باورها و ضرب‌المثل‌های مردم سدن رستاق کردکوی.
نوع	: ضرب‌المثل‌های ایرانی -- کردکوی (Iran -- Kordkuy Proverbs)
رده - ی کنگره	: ۱۳۹۶ ۵۴۵ ک/۶۷۳ PIR
رده بندی دیویی	: ۹۷۸/۳۹۸
شماره کتابخانه ملی	: ۴۷۷۵۰۷۲

توسن باورها و ضرب‌المثل‌های مردم سدن رستاق - کردکوی

تحقیق، شرح و تعلیق: جعفرقلی کیانی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

طراح جلد: سعیده مسلمی

تایپ: حسین عارف - سمانه صادق

مشخصات ظاهری: ۱۹۰ ص

قطع: رقعی

شمارگان: ۳۰۰

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۹-۴۲۹-۸

چاپ و نشر: نوروزی - ۰۱۷۳۲۲۴۲۲۵۸

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

حق چاپ برای نویسنده محفوظ می باشد.

۱ پیش نگار

٢

۱ آدم خسیس هر ماه سه من اضافی خوارنه ۶

۲ آدم روی واز و سه شونه مردم سه ، در واز و سه شونه ۷

۳ آدم قمت هزار تومن نینه ، آبرو یک مثقال هزار تومن قمت ۸

۴ آدم بهم چغندر نرم ۹

۵ شوهری ب لکه نور ، صحرای شونی وچه نور ۱۰

الف

۶ آرزان خرید ، آسب خرید ۱۱

۷ آسب خب ره طویه چه در ناندن زن خب ره قبیله چه در ۱۳

۸ آسب خوانی یال دزه هارش زن خانی مار دزه هارش ۱۵

۹ آسب ره او کشی و سه ورنه خر دزه برور و سه ۱۶

۱۰ اطلس کال بچم دله نوونه ۱۷

۱۱ انگور نوینه خوانه تمیج بوونه ۱۸

۱۲ اوزه ندی شلوار دزه نکند ۲۰

۱۳ اول پرتو بعداً برنو ۲۱

۱۴ ایراد نیه شوی کاره مار شلوازه ۲۲

۱۵ ایراد نیه گسان ره سرشونه فرزندان ره ۲۳

ب

۱۶ باجنای فامیل نوونه کلا زمبیل نوونه ۲۵

۱۷	بازي آشكَنَك دارَنه سَر شِكْسَنَتَنَك دارَنه	۲۷
۱۸	بامشي زه بئوئنه تَه گي دوا هَسَنَتَه وَنَه سَر دَرَه - خاك چَه -	۲۹
۱۹	بامشي مِيو مِيو زه كَلَه بَنَد چَه ياد گِيَرَنه	۳۱
۲۰	بِپَنَتَه خَر وَزَه نَصِيْب شَالَه	۳۲
۲۱	بَخْوَاردَه زه وِشْتَر وَنَه	۳۴
۲۲	بَا خُونَدَه فاميل چَه بَتَرَه	۳۵
۲۳	بَر دَرَه بِلخان ، گُليارچَه دَرَه دِكان	۳۷
۲۴	بَر زَنِم جَارِ نَصاب زه غَم پِيه	۳۸
۲۵	بَلْبَل زِه مَه تاس وَنَتَه	۳۹
۲۶	بَمَرَدَه گُو سِيه دار وَنَه	۴۰
۲۷	بَمُوئَه خُو مَرغانَه نَكاهَتَه ، كَه دَه	۴۱
۲۸	بِيابان خَر رَج بَسِيَر	۴۲
۲۹	بِي بِي ها بُوَرَدَه كَتَر ، دُوَر ، دُوَر كَنِم وَنَه	۴۳
	پ	
۳۰	پَر خَشَالَه كَه پَسَر بَقَالَه	۴۵
۳۱	پُرسان پُرسان حاجي شُوئَه حَج	۴۶
	ت	
۳۲	تا گَسَالَه گُو بُوئَه صاحاب ذل او بُوئَه	۴۷
۳۳	تا مادِيَن دَم تَرَنَه يابو سَم تَرَنَدَه	۴۸
۳۴	تَرَكَّان اَسب زه بُوَش نَشِنَه بُووش	۵۰
۳۵	تَش وَچَه كَلِيَن وَنَه !	۵۱
۳۶	تَه بُوَرَدَن ، بُوَرَدَن مَه هازَش هازَش	۵۳
۳۷	تَه دار تا وَلَك دارَنه تَه سَلام عَلَك دارَنه	۵۵
۳۸	تَه هازَش مَه هازَش ، پَلَه تَماسَتَه بِي خَوازَش	۵۶

ج

۵۸	چکنه مال دزه ورگ ورنه	۳۹
----	-----------------------	----

خ

۵۹	خاشنه سړه نيشتمى بى غم هسايه ي گو زنه پدم	۴۰
۶۱	خدا بزه زه علي يار نوونه	۴۱
۶۳	خدا تجار نيينه اما تير تحته زه حُب جور كنده	۴۲
۶۶	خدا نكاته كاپك سگ توله بگرده	۴۱
۶۷	خو نه خو زنده ، خو نه خروه	۴۱
۶۸	خبر رراك موزه هسته	۴۵
۷۰	خبر دته خبرم بوري هر ساعت ونه سه من پهن جم هكافي	۴۶
۷۱	خبر شاه ترنه لاس او پس دنه	۴۷
۷۳	خواختر دزه بي ونه ، بزر دزه گانه چوه زن نورني	۴۸
۷۴	خون دزه خون چه نشسته	۴۹
۷۵	خو هم اتل كاسي !!	۵۰

د

۷۷	دار دويته جوز نجينه بنه بموته كفتل زند	۵۱
۷۹	در دزه گانته ديفال بشنونه ، عاروس زه گانته ش مار شونه	۵۲
۸۰	دزه خاشنه موس وه پاس تاشنه	۵۳
۸۲	دشو غسل نوونه ، زوما پسر نوونه	۵۴
۸۴	دق ، لاقلی زه گانه ته كين سياهه	۵۵
۸۵	دندان بموته لوجه زه برونه كتر	۵۶
۸۷	دوگير ، دوگير چه بد دارنه ، دو ده هرده چه	۵۷
۸۹	دول چه در بوزه ، كيسه چه در نشونه	۵۸

ر

- ۵۹ رسی رسی چل برسی ، تە پىنە پىنە مەن برسى ۹۱

ز

- ۶۰ زىزىكش ، زىزىكش مۇس زە ويندە ۹۳
۶۱ زىك زە ورف زور گىر تە ۹۵

س

- ۶۲ سىگ زە تىنر صاحب چە اشۇ سىنە ۹۷
۶۳ سىگ وە ھەس چو تىنگى وىشەر لۇ كاندە ۹۸
۶۴ سىر تۇر-دە سىر بۇ كاندە ۹۹

ش

- ۶۵ شا بىخىشە شاپلى خان تە تىشە ۱۰۰
۶۶ شالى پىلى كالدەمبە ھەم لۇ خوار تە ۱۰۱
۶۷ شىر كاجە راست ھىستە كە وىنە لۇچە تىرە ؟! ۱۰۲
۶۸ شكار ، تۇر دۆرە دار دۆرە ور خوار تە ۱۰۴
۶۹ شۇ سىيا گۇ سىيا ۱۰۶

ص

- ۷۰ صد مەن لور ، اشك لندور ۱۰۷
۷۱ صغیر وچە گت وونە زوسياھى مەلکىت وە ماندەنە ۱۰۸

ع

- ۷۲ عاروس ، بى چادري خانە نشینە ۱۰۹
۷۳ عاشق چىشما كۆرە ۱۱۰
۷۴ عوام تا دوش ، مەلا تا گۇش ۱۱۳

ف

۱۱۶	فک دار چله زه هچکس گفیل زنده	۷۵
۱۱۸	فلانی لنگ شلوار د تا بویینه	۷۶

ک

۱۱۹	کار که کازه ، دمرت کار بیغازه	۷۷
۱۲۱	کارچ مرغ ، خاک زه هر چی بچکاله شندنه خاشه سر	۷۸
۱۲۲	کرواس تک لو دارنه هرکس خاشه سو دارنه	۷۹
۱۲۳	کاو ، بند واش بی وزه	۸۰

گ

۱۲۶	کالش پیر ، وئ شوئه گوک وانی	۸۱
۱۲۸	گتته موس ره گتته شلوار وئه	۸۲
۱۲۹	گو بگوزینه کرایه پسرته	۸۳
۱۳۱	گو به رسن ، آدم بن رسن	۸۴
۱۳۳	گو تنگه دکفه خاشه صاحب ره هم شاخ زنده	۸۵
۱۳۵	گو خاشه شاخ زه هشتنه شوئه شو چ	۸۶
۱۳۶	گو خاشه غرضی زه شندنه گوک سر	۸۷
۱۳۸	گودار بورد زه گره پشت بئوته بوردنه غریبی	۸۸
۱۴۰	گو هم گوز؟!	۸۹

م

۱۴۱	ماشه بورد زه کله ، دزد با خور وونه	۹۰
۱۴۲	مردم خر دزه و نه ینگ وری سوار بویین	۹۱
۱۴۴	مرغ که مرغانه نکانده ، صحراي کلع مه مرغ	۹۲
۱۴۵	مقض وچه ي کله بگیجه ، دریازه چشم یلته	۹۳
۱۴۶	ملا زه مفت گیر بازارن ، سگ کانه وه هم دعا گیرنه	۹۴

۱۴۸	مَن گامبِه خاشکِه ، تَه گانی بُدوش؟!	۹۵
۱۵۰	مَن گامبِه ماست تَه گانی دروازه!!	۹۶
۱۵۱	مُوجِکل رُو تا نَصِبِه رُو	۹۷

ن

۱۵۲	نُخواره سَمی بَسُوته وَنه تَک فنی	۹۸
-----	-----------------------------------	----

و

۱۵۳	وَرَف تَن سَوِه سَابه دشت	۹۹
۱۵۵	وَرِگ ، هَمِه وَزگَه فقط دَندان نَدارنه	۱۰۰
۱۵۷	وَرِه دارنی بَک ، دَر چَه تَه دارنی!	۱۰۱
۱۵۸	وَسنی ها ، دیم بَسیم ، اری ها ، کین بَه کین	۱۰۲
۱۵۹	وَل چو راس نُووَنه ، شَر شیر ماس نُووَنه	۱۰۳
۱۶۰	وَل خَر وَه وَل پِلان دُوخَننه	۱۰۴

ه

۱۶۲	هَپکَس تَرا ، آمَنه تَرا؟!	۱۰۵
۱۶۳	هَر کَس خَر دَرِه بام بُوَرده ، بَنه هَم یارَنه	۱۰۶
۱۶۵	هَر کَس ماست رَه بَخواره کَلَفَه رَه رَنگ هَکانه	۱۰۷

ی

۱۶۶	یَک تا گَنته دار بَنه بَخواره صَد تا حُوردی دار دَرِه بَنه زَنده	۱۰۸
-----	--	-----

۱۶۸	واژه نامه
-----	-----------

پیش نگار

به نام چاشنی بخش زبان ها حلاوت بخش معنی در بیان ها

زبانزد ها ، ضرب المثل ها و باور ها سه واژه ی مترادفند که در فرهنگ عمومی بر ملت و شاید در منابع هر دین و مذهبی جایگاه خاص خود را دارند.

در ه ی واژه ی « زبانزد » در فرهنگ معین آمده است : « آنچه که بر سر زبان ها افتد. مطلبی که گروهی بسیار از آن آگاه شوند. » و در لغتنامه ی دهخدا اینگونه معنی شده است: « روزانه و محاوره ، گفتگوی هر روزه و مذاکره ی هر روزه ، مشهور ، سایر چون ... ، مطالبی که بر سر زبانهاست. »

همانگونه که در بیان دهخدا آمده است زبانزد همان ضرب المثل است که پاره ای از آنها به صورت « باور » در فرهنگ های عمومی و عامیانه درآمده است.

در تاثیر ضرب المثل در افکار و اندیشه ی آدمی ، مرحوم دهخدا بیتی از محمد عوفی نویسنده ی کتاب « جوامع الحکایات و اربع الروایات » آورده است که می گوید :

« در مقامی که کند روی کنایه به عدو ضرب شمشیر ندارد اثر ضربِ مَثَل »

و نیز از صاحب « کشاف اصطلاحات الفنون » نقل می کند که گفته است « ... و حق عزاً سمه ، در قرآن بر سبیل پند و تذکیر و ... مَثَل آورده و در

ضربِ مَثَل منظور نزدیک ساختنِ مقصود باشد با قوانین عقلیه و... در ایراد امثال نباید در اصل مَثَل تغییر و تبدیلی روا داشت، بلکه باید عینِ مَثَل را ایراد کرد.

مصطفی رحماندوست از نویسندگان صاحب نام معاصر، تعدادی از مَثَل های فارسی و داستان های آن را در دو جلد، تحت عنوان «فوت کوزه گری» جمع آورده است و در مقدمه ی آن در تعریفِ مَثَل گفته است: «مَثَل، سخن کوتاه و ساده ای است که روزی، روزگاری به دنبال حادثه ای، برای بیان تجربه یا اندیشه عمیقی از زبان گوینده ای شنیده شده؛ سخنی تأثیر گذار، آراسته به طنز و ایراد، کتابت اخلاق، که در موقعیت های مختلف امکان تکرار و کاربرد آن وجود داشته است...» از بابِ مَثَل های فارسی، ریشه در تاریخ، فرهنگ عامیانه، قرآن و احادیث دارد.

همین نویسنده، در زیر نویس شماره ی یک صفحه ی ۳ جلد اول، آورده است: «فقط در قرآن کریم ۲۴۵ مَثَل می توان یافت. آیه هایی که مَثَل شده اند و بر سر زبان عارف و عامی افتاده اند.»

به روایت مصطفی رحماندوست: «اولین بار در قرن دهم هجری، شعوری نیشابوری تعدادی از ضرب المثل ها را در کتابی تحت عنوان «ضروب امثال فارسی» جمع آوری کرد. محمد علی حَبَلَه رودی که در سده ی دهم هجری می کرد در سال ۱۰۴۹ ه.ق کتاب «مجمع الامثال» و در سال ۱۰۵۴ ه.ق کتاب «جامع التمثیل» را به چاپ رسانید. و در دوره ی معاصر سید علی اکبر قائم مقام فراهانی در سال ۱۳۲۲ شمسی «نامه ی داستان» را در این مورد نوشت و به

دنبال آن آقایان امیر قلی امینی ، احمد بهمنیار ، علی اکبر دهخدا ، جعفر شهری ، مهدی پرتوی آملی ؛ و در هشتاد سال اخیر ... صادق هدایت ؛ صبحی مهتدی ، آنجوی شیرازی و احمد شاملو ، هر یک از خود آثاری در این زمینه باقی گذاشته اند و تا امروز بیش از صد عنوان کتاب پیرامون ضرب المثل های فارسی نوشته شده است .

با عنایت به آنچه که از بزرگان ، در سطور بالا آمده است ، این مجموعه تنها یکی از بسیار آثار مکتوب خواهد بود که در اختیار خوانندگان قرار می گیرد . نه از نوادر است و نه کالر ، است که تازگی داشته باشد .

آنچه که نگارنده را به این کار رها داشت ، ادای دینی است که در ارتباط به فرهنگ عمومی سدن رستاق خصوصاً بهرسان کردکوی احساس می شده است . در این راستا ، بیان مواردی چند را به عنوان پیش گفتار یا پیش نگار ضروری می دانم :

۱- بر اساس آنچه که در لغتنامه ی دهخدا آمده است : « سدن رستاق » منطقه ای نسبتاً وسیع واقع در غرب شهر گرگان از روستاهای « سجد راب یا انجیلو » و « سعد آباد یا سادوا » تا غرب سرکلایه ی تمیشه را شامل می شود . زبان بومی و مادری عموم ساکنین این منطقه شاخه ای از زبان طبری با « ختیری تفاوت در گویش ها و لهجه هاست و اکثر قریب به اتفاق دارای واژه ها و ضرب المثل ها و فرهنگ عمومی مشترک می باشند . بنا بر آنچه که در

شناسنامه های قدیمی ذکر شده است ؛ سدن رستاق تحت عنوان «دهستان» با مرکزیت کرد محله یا کردکوی بوده است.

۲- قابل ذکر است که آنچه در این کتاب آمده است مقداری از بسیاری از آن چیز هایی است که در منطقه سدن رستاق معمول و متداول است و پر واضح است که جمع آوری آن همه ، کاری است دشوار و شرح و تعلیق آنها به زمان و اسبعداد زیادی نیاز دارد.

۳- اصل قلمی دانند که شرح و تعلیق هر اثر ادبی و ذوقی از خلق آن اثر، اگر مشکل تر نباشد ، آن تر نیست و نیاز به تتبع و تحقیق زیادی دارد و حوصله ی همگان گنجایش این کار را ندارد ؛ از این نظر احتمال اشتباه در این کار زیاد است . لذا از خوانندگان انتظار می رود که از تذکر و ارائه ی نقد و نظر کتبی دریغ نفرمایند .

۴- ممکن است برخی از ضرب المثل ها و باورها در میان اقوام مختلف یک استان یا یک کشور و شاید در سطح جهان از لحاظ لفظ یا معنی و یا هم لفظ و هم معنی مشترک باشد ؛ و تنها اختصاص به یک منطقه یا ناصی نداشته باشد؛ بر این اساس ممکن است در این کتاب به نکته ای که گویا سدن برخورد کنید.

۵- بسیاری از ضرب المثل ها از باورها ناشی می شوند و بسیاری از باورها نتیجه ی تجربه هایی است که به دست می آید ؛ اما مصداق ها کلیت ندارند، یعنی ممکن است یک یا چند فرد یا موضوع ، مصداق یک ضرب المثل واقع

شوند ولی برای بسیاری از ضرب المثل ها در مورد بسیاری از افراد یا موضوعات نتوان مصداقی پیدا کرد.

۶- کتاب حاضر پنجمین اثر در زمینه ی فرهنگ عمومی شهرستان است که به توفیق الهی تدوین و چاپ می شود با این تفاوت که بخش نسبتاً زیادی از منطقه سدن رستاق ، امروزه تحت عنوان « سدن رستاق شرقی » حومه شهرستان گرگان می باشد که از نظر فرهنگی با تمامی محلات شهرستان کردکوی مشترک می باشد .

امیداوریم که تا عمر باقی است بتوانیم به گوشه های دیگری از آنچه که به فرهنگ عمومی شهرستان کردکوی مربوط می شود بپردازیم . بخت و کرمه

جعفر قلی کیانی

۵ کوی مهرماه ۱۳۹۵